

## ارزیابی کالبد محله‌های قدیمی شهری در پاسخ‌دهی به احساس امنیت (نمونه موردی: محله ملک‌آباد شهر قزوین)

محمد مهدی عزیزی - استاد گروه شهرسازی دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا  
الهه شعبان جولا\* - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۶/۱۷ تأیید نهایی: ۱۳۹۳/۰۲/۳۱

### چکیده

احساس امنیت، یکی از نیازهای روحی انسان و از مهم‌ترین ویژگی‌های کیفیت فضا است. در جوامع شهری امروز، عوامل گوناگون محیطی، سبب بروز انواع بزهکاری‌ها، بی‌قانونی‌ها و ناامنی در شهر شده‌اند. این در حالی است که بافت‌های شهری و محله‌های قدیمی ایران، از بعد امنیت و آرامش، شهره شهرها بوده‌اند. اگرچه این مسئله، متأثر از ساختار اجتماعی و فرهنگی نیز بوده است، نباید از طراحی هوشمندانه کالبد این گونه محله‌ها غافل شد. این موضوع، هدف اصلی این پژوهش است. غالب این محله‌ها، بر مبنای اصول، ساخته شده‌اند و بدین ترتیب، زمینه مناسبی برای تحقیق به شمار می‌روند. مقاله حاضر در دست‌بندی پژوهش‌های کیفی قرار گرفته و ضمن بهره‌گیری از تحلیل فضایی، به وسیله نرم‌افزار GIS، بر مبنای روش مطالعه موردی (Study) (Case) انجام شده است. بدین ترتیب که با مروری بر معیارهای امنیت شهری، جامع‌ترین نظریه، یعنی نظریه «پیشگیری از جرم، از طریق طراحی محیطی یا CPTED»، ملاک عمل قرار گرفته و مدل به‌دست‌آمده در یکی از محله‌های قدیمی قزوین پیاده شده است. نتایج ارزیابی با استفاده از روش‌های ماتریس گولر و چک‌لیست معیارها نشان می‌دهد با توجه به سه معیار مشخص‌شده، محله ملک‌آباد در معیارهای نظارت طبیعی و تقویت قلمروها، وضعیت مطلوبی دارد و در معیارهای کنترل دسترسی در وضعیت زیر متوسط قرار گرفته است. نقاط قوت محله نیز مشخص شده و در انتها یافته‌های علمی و عملیاتی تحقیق ارائه شده است. در نهایت می‌توان گفت ارزیابی کالبد محله ملک‌آباد به‌عنوان نمونه‌ای از محله‌های قدیمی شهر تاریخی قزوین نشان می‌دهد این محله توانسته است در پاسخ‌دهی به نیاز به احساس امنیت ساکنان آن در حد مطلوب ایفای نقش کند.

کلیدواژه‌ها: احساس امنیت، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، چک‌لیست معیارها، طراحی ضد جرم، ماتریس گولر.

## مقدمه

در اعلامیه جهانی حقوق بشر، امنیت به لحاظ اهمیت، در ردیف آزادی قرار گرفته و بر تأمین آن، به عنوان یکی از حقوق اجتماعی انسان تأکید شده است. علاوه بر این، در جوامع شهری پیچیده امروز، عوامل گوناگون محیطی با تأثیرگذاری متقابل، سبب بروز انواع بزهکاری‌ها، بی‌قانونی‌ها، نابسامانی‌ها و در نتیجه، ناامنی در شهر و فضاهای شهری شده‌اند. اگرچه متغیرهای جامعه‌شناختی در بروز و ظهور الگوهای رفتاری در انسان در اولویت قرار دارند، اما از نقش ویژگی‌های کالبدی و فضایی محیط مصنوع، به عنوان بستر وقوع رفتارهای ناهنجار، در امکان بروز جرایم نیز نباید غافل بود؛ پدیده‌ای که در گذشته، کمتر در بافت‌های قدیمی و سنتی شهرها مشاهده می‌شده است. حفظ حرمت‌ها و رعایت اصول و ارزش‌هایی چون محرمیت، مراوده همسایه‌ها و شناخت اهالی محله از یکدیگر، بافت اجتماعی منسجم و ...، از مهم‌ترین ویژگی‌هایی بوده‌اند که به ایجاد حس امنیت در ساکنان، کمک کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد این‌گونه محله‌ها، امروزه به دلایلی چون فرسودگی و جابه‌جایی ساکنان اصیل آن‌ها، با مهاجران، دچار مشکل‌های بسیاری شده‌اند و برخی از آن‌ها، حتی جزء پرمسئله‌ترین بافت‌های شهری محسوب می‌شوند. با مطالعه و ارزیابی کالبد محله‌های قدیمی که کمتر دستخوش تغییر شده‌اند، علاوه بر تصمیم‌گیری در تأیید یا رد مسئله فوق، می‌توان به اصول و ارزش‌های نهفته در معماری و شهرسازی آن‌ها بیشتر پی برد و نتیجه را دستمایه‌ای برای ارتقای آن محله و نیز توسعه شهری پیش رو قرار داد.

در کنار آشنایی با دیدگاه‌های رایج در طراحی محیط‌های امن شهری دنیا و نیز شناخت معیارهای موجود برای سنجش میزان پاسخ‌دهی محیط‌های ساخته‌شده به حس امنیت، می‌توان مهم‌ترین هدف این مقاله را ارزیابی کالبد محله‌های قدیمی در پاسخ‌دهی به نیاز به احساس امنیت ساکنان دانست. در انتها پیشنهادهای علمی و عملی برای بهبود کالبد محله، ارائه خواهد شد.

## مبانی نظری

بشر از همان ابتدای پیدایش جوامع و مجتمع‌های زیستی اولیه، در پاسخ به یکی از اساسی‌ترین نیازهای طبیعی و فطری خویش سعی کرده است محیط و دنیای ساخته‌شده خویش را کنترل کند. این کنترل که با توسل به وسایل گوناگون طبیعی، افسانه‌ای، مذهبی و عملکردی تحقق پیدا کرده، خود را به صورت نوعی نظم، الگو و شکل محیط زیست انسان منعکس می‌کرده است. این ارزش انحصاری، یکی از ضرورت‌های زندگی فردی و اجتماعی است. در زمان‌های گذشته، حصارها و خندق‌های اطراف شهرها، حریم امنی را برای شهر و ساکنان آن ایجاد می‌کرد. به این ترتیب، شهر از تعرض بیگانگان مصون می‌ماند (کامیار، ۱۳۸۲: ۳۳). از آن زمان تاکنون، به هر مقطع از تاریخ بشری این سیاره می‌نگریم، می‌بینیم آنچه امروز شهر و جامعه می‌نامیم، نظم و امنیت آن را نیز در بر دارد. شواهد این امر را در نوشته‌ها و آثار باستانی، داستان‌های فلاسفه و شاهان، مردان جنگی، آرمان‌شهر پربان و مردم ساده می‌یابیم (دوهل، ۱۹۸۷: ۱۸). در طبقه‌بندی نیازها که توسط مازلو به انجام رسیده است، امنیت پس از نیازهای زیستی (آب، غذا و...) به عنوان دومین طبقه از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نیازها معرفی شده است (ولسلی، ۱۹۹۰: ۵۹). جان لنگ نیز در مدل نیازهای انسانی، سلسله‌مراتب و روابط بین نیازها را در قالب دسته‌های مشتمل بر نیازهای زیستی، امنیت، وابستگی، عزت و اعتماد به نفس، تحقق خویشتن و زیباشناسی بررسی می‌کند و امنیت را به عنوان یکی از نیازهای اساسی، در رتبه دوم این تقسیم‌بندی قرار می‌دهد (کرمونا، ۲۰۰۳: ۱۰۷). جان اشتون نیز که از صاحب‌نظران بین‌المللی شهر سالم به شمار می‌رود، در کتاب *Healthy City Concepts and Visions*، به امنیت، به عنوان یکی از کیفیت‌های غیر قابل جایگزین در ایجاد یک شهر سالم اشاره می‌کند (اشتون، ۱۹۸۸: ۱۶). احساس امنیت و آرامش خاطر، اشاره

به شرایطی دارد که در آن، نظام حفاظتی جامعه، شرایط مؤثر و کارآمدی برای پیشگیری از جرایم و رفتارهای آنومیک و برخورد مؤثر با آن دارد. البته شایان توضیح است که «امنیت» با «احساس امنیت»، متفاوت است؛ به طوری که اولی، ناظر بر بعد عینی و دومی، ناظر بر بعد ذهنی این نیاز است. به عنوان مثال، شاخص ارزیابی امنیت می‌تواند تعداد جرم‌های واقع شده در یک محدوده زمانی و مکانی خاص باشد. حال آنکه برای سنجش احساس امنیت، با ذهن و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن سروکار داریم؛ همانند حس مالکیت بر فضا، کنترل دسترسی و...

با کمی تعمق در مطالعه‌های گذشته می‌توان دریافت در این دیدگاه‌ها، تأکید، بیشتر بر عوامل محیط طبیعی و تأثیر آن بر انسان و رفتار او بوده است؛ در حالی که در تحقیق‌های کنونی، به عوامل مربوط به محیط انسانی که انسان را در بر گرفته است، بیشتر توجه می‌شود. براساس عقیده غالب، جرم، پیش از آنکه پدیده‌ای جبرگرایانه و ناشی از عوامل قطعی و ثابت محیط طبیعی باشد، پدیده‌ای انسان‌ساخت و متأثر از شرایط محیط انسان‌ساخت جامعه و مکان جرم است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱۵۱-۱۵۲). «دگرگونی سریع محیط، یکی از ویژگی‌های بنیادین زمان ماست. هر روز شهرها و محله‌ها و بناهای جدید ساخته می‌شوند. این گونه قرارگاه‌های فیزیکی، برخی الگوهای رفتاری و تنش‌های اجتماعی نوین را بر ساکنان خود تحمیل می‌کنند؛ بعضی الگوهای رفتاری و نقش‌های اجتماعی را تقویت و بعضی دیگر را تضعیف می‌کنند و به طور خلاصه، جهت‌ها و ابعاد جدیدی به رفتار ساکنان خود می‌بخشند» (مرتضوی، ۱۳۶۷: ۸). پیشینه و زمینه نظری مباحث جرم‌شناسی شهری را باید حداقل از مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو و مطالعه‌های اولیه اکولوژی شهری بررسی کرد. اکولوژی شهری را علم شناسایی روابط متقابل میان انسان و محیط، تعریف کرده‌اند (شکویی، ۱۳۶۹: ۱۳۱). یکی از نقاط قوت دیدگاه اکولوژیک، توجه به ویژگی‌های کالبدی برخی مناطق شهر در بروز جرم‌های اجتماعی است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۷۵-۷۶). تقریباً همزمان با این بررسی‌ها و شاید کمی مقدم بر آن، جین جیکوب با زیرکی، موضوع وحشی‌گری خیابانی را بررسی کرد. در نظریه جیکوب، شرط همسایگی موفق آن بود که افراد باید در خیابان و در میان غریبه‌ها، احساس ایمنی و امنیت شخصی کنند (کرمونا و دیگران، ۲۰۰۳: ۱۲۰-۱۲۳). در این نظریه عنوان شد که در خیابان‌های شهر باید قسمت اعظم نظارت و کنترل بر غریبه‌ها انجام شود؛ چرا که خیابان، محلی است که در آن، غریبه‌ها آمدوشد می‌کنند.

تقریباً همزمان با پژوهش‌های جیکوب در سال ۱۹۷۱، هنگامی که ری جفری برای اولین بار مقاله «پیشگیری از جرم به وسیله طراحی محیطی» را منتشر کرد، نقطه عطفی درباره بررسی ناهنجاری‌های اجتماعی، اعمال غیر قانونی و رفتارهای آنومیک پدید آمد. مت‌او رابینسون در سال ۱۹۹۶، در مقاله‌ای ضمن بررسی ریشه‌های نظریه جفری، عکس‌العمل‌های متفاوتی را بررسی کرد که دولت‌مردان، معماران، اشخاص حقوقی و دانشگاهی و مسئولان مربوط نشان دادند. این عکس‌العمل‌ها، طی بیست و پنج سال به مفهوم کلی نظریه‌ای با عنوان CPED<sup>۱</sup> یا «پیشگیری از جرم، از طریق طراحی محیطی» تبدیل شده و سیر تکاملی داشته است (رابینسون، ۱۹۹۶: ۱). نظریه‌های مختلف و متنوعی درباره کاهش شرایط جرم‌خیزی فضاهای شهری ارائه شده است. کامل‌ترین این نظریات، نظریه پیشگیری از جرم، به وسیله طراحی محیطی است. مفاهیم مطرح در این نظریه، در قالب سه معیار اصلی و دو معیار فرعی بیان می‌شود که در ادامه تشریح شده‌اند: ۱. تقویت قلمروها؛ ۲. کنترل دسترسی؛ ۳. نظارت طبیعی؛ ۴. فعالیت‌های اجتماعی و ۵. تعمیر و نگهداری.

## ۱. تقویت قلمروها<sup>۱</sup>

روشنی و وضوح سازمان فضایی و مرزهای قلمروهای خصوصی، نیمه‌خصوصی (نیمه‌عمومی) و عمومی از یکدیگر، موجب کاهش نفوذپذیری (دسترسی)، افزایش نظارت اجتماعی و پیشگیری از جرم می‌شود. «اسکار نیومن، عقایدش دربارهٔ مراقبت و کاربرد محیط و حمایت از محیط کالبدی را بر سلسله‌مراتبی بنیان نهاد که دربردارندهٔ چهار قلمروست و حدود آن‌ها به وسیلهٔ حصارهایی تعیین شده است. چهار منطقهٔ مورد نظر او عبارتند از:

- فضا یا محیط عمومی: منطقه‌ای است که به روی همه باز است و استفاده‌های متعددی از آنجا صورت می‌گیرد؛
- فضا یا محیط نیمه‌عمومی: منطقه‌ای است که به روی همه باز است، اما از آنجا استفادهٔ محدود صورت می‌گیرد؛
- فضا یا محیط نیمه‌خصوصی: منطقه‌ای است که تعداد کمی از افراد به آنجا رفت‌وآمد دارند، اما در اصل، مسکونی است و ساکنان ساختمان از آن استفاده می‌کنند (مثل راهرو آپارتمان)؛
- فضا یا محیط خصوصی: منطقه‌ای است که فقط مختص ساکنان آنجاست (مثل داخل آپارتمان)» (روزبنام و ویولیس، ۱۳۷۹: ۵۰).

ایجاد محل‌های انتقالی مشخص و شناسایی فضاهای عمومی، نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی، مهم و حیاتی است. در صورتی که حدود محل‌های انتقالی گسترش یابد، نرخ رفتارهای نامناسب کاهش پیدا می‌کند و سبب تشخیص رفتارهای مناسب از نامناسب کاربران شده و دسترسی کاربران قانونی در فضاهای کنترل‌شده تأیید می‌شود (اطلس، ۱۹۹۹: ۲).

## ۲. کنترل دسترسی<sup>۲</sup>

ویژگی‌های دسترسی و شبکه‌های ارتباطی، نقش بسیار زیادی در تأمین ایمنی و امنیت فضا، مکان‌ها و محله‌های شهری دارند. در سال ۲۰۰۳، مطالعه‌ای با استفاده از نظام اطلاعات جغرافیایی (GIS) برای کارهای پلیسی و پیشگیری از جرم در ژاپن، توسط اوگاوا و شیباسکی انجام شده است که مشخص می‌کند «در خیابان‌هایی که پیاده‌رو از خیابان جدا نشده باشد و نیز در خیابان‌هایی که در آن‌ها بانک‌ها فعالیت دارند، نسبت به سایر خیابان‌های شهری، پدیدهٔ کیف‌قاپی بیشتر اتفاق می‌افتد. همچنین در خیابان‌های باریک، یک‌طرفه و کم‌نور، این مسئله بیشتر دیده می‌شود (چرمایف و الکساندر، ۱۳۷۱: ۹۰؛ اوگاوا و دیگران، ۲۰۰۳: ۲). در بررسی روی ترافیک پیاده‌روها و ارتباط آن با میزان جرایم، روین اشتاین و همکارانش در سال ۱۹۸۰ نتیجه گرفتند که هم تردد زیاد عابران پیاده و هم تردد کم آنان در پیاده‌روها با میزان جرایم، ارتباط مستقیم دارد. تردد زیاد عابران، جرایم بیشتر و تردد اندک، جرایم کمتری دارد (حشمتی، ۱۳۸۲: ۵۸). این نکته شایان توجه است که «در گذشته، شهرها که نظام سامانی پیوسته داشتند، دیوار و حصار داشتند که راه را بر هر متجاوزی سد کند و شهر را از هرج و مرج خارج از شهر متمایز دارد. هر محله و ساختمان نیز برای جلوگیری از تجاوز سارقان و ورود مزاحمان و غریبه‌ها به وسایلی مجهز بود. این تجهیزات، برای جلوگیری از مزاحمت‌های احتمالی - که در نقشهٔ شهرها و خانه‌های قدیمی، آشکارا مشخص بود - به تدریج با تأثیر پیشرفت‌های اقتصادی و نظام‌های اجتماعی جدید و به خاطر قوانین و مقررات حفظ امنیت، از میان رفت (چرمایف و الکساندر، ۱۳۷۱: ۹۰)؛ بنابراین، مسدود کردن و بستن راه‌ها (به‌عنوان ابزاری برای کنترل دسترسی)، صدها سال است که در شهرسازی استفاده شده است.

### ۳. نظارت طبیعی<sup>۱</sup>

نظارت طبیعی به توانایی نیروهای امنیتی و شهروندان برای دیدن یا ضبط حوادثی که در محیط اطراف اتفاق می‌افتد، اشاره دارد. افزایش دیدهای طبیعی از فضا، بسیار مؤثرتر از روش‌های سازمانی و مکانیکی (مثل نگهبانان) است و سبب می‌شود شهروندان بدانند زیر نظارت طبیعی هستند. بدین ترتیب، این امر در پیشگیری از جرایم، نقش مهمی دارد (کراو، ۱۹۹۱: ۱۱۷). مؤلفه نظارت طبیعی، به‌عنوان مؤلفه‌ای کلی در پیشگیری از جرایم، برای بررسی تفصیلی به دو زیرمعیار، شایان تقسیم است:

#### • اندازه فضا

مامفورد با مطرح کردن ابعاد و مقیاس انسانی در ساخت شهر، حصار و دیواره شهری را مظهر وحدت و امنیت شهرهای تاریخی معرفی می‌کند. توجه به مقیاس‌های انسانی در اندازه میدان‌ها و فضاهای شهری نیز از سوی صاحب‌نظران دیگر مطرح شده است. به استناد کالینز، در میدان‌های عظیم شهرهای کنونی، بسیاری از مردم دچار اضطراب می‌شوند و میدان‌های کوچک و قدیمی را ترجیح می‌دهند. این مسئله در علم روان‌شناسی، به بیماری ترس از فضاهای باز یا آگورافیا شهرت دارد (تولایی، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۹). ازدحام، حد مطلوبی دارد که متناسب با شرایط فضاهای گوناگون، متفاوت است. ازدحام جمعیت (و نه الزاماً تراکم جمعیتی بالا) به موازات افزایش احساس امنیت، باعث افزایش احساس ترس و دیده و شناخته شدن در مجرمان هم می‌شود (صالحی، ۱۳۸۷: ۱۵۴-۱۵۷). در واقع، یکی از راه‌های گسترش نظارت طبیعی، افزایش ازدحام است، اما در حدی مطلوب که امکان شناسایی مجرم فراهم باشد و او نتواند خود را بین جمعیت پنهان کند.

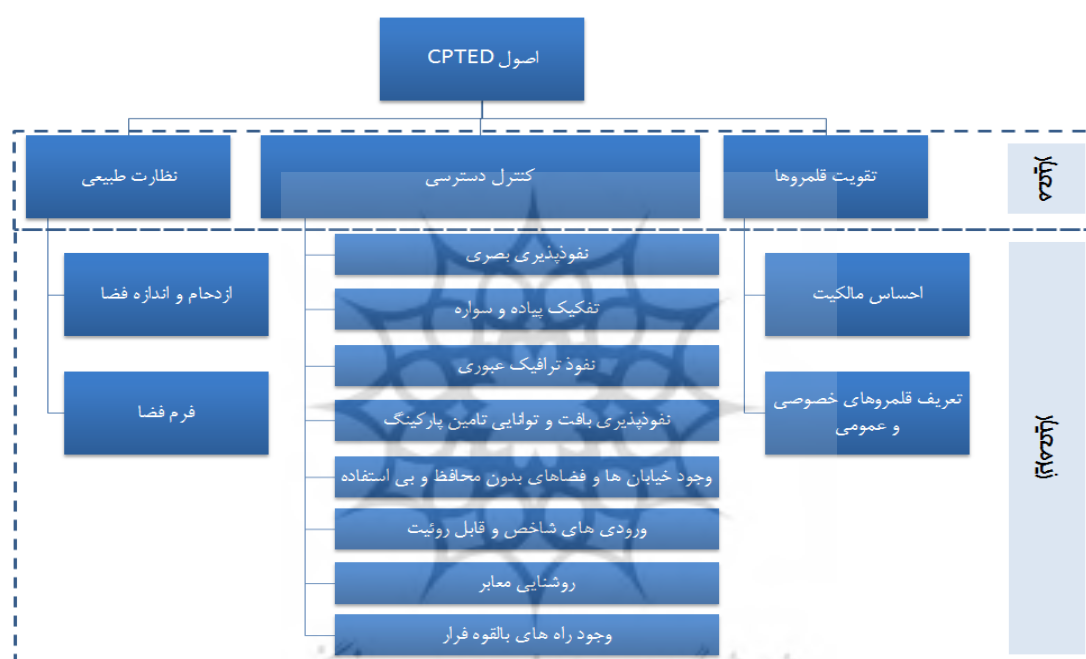
#### • فرم کالبدی فضا

بدون شک یک مجرم نمی‌خواهد در حال ارتکاب جرم دیده شود و بی‌تردید، نبود امکان رؤیت ناشی از شکل فضا، شرایط بسیار مناسبی برای اهداف و رفتارهای بزهکاران و خلافکاران فراهم می‌سازد. این‌گونه فضاها، دور از چشم افرادی که احتمالاً معترض رفتار بزهکارانه می‌شوند و یا حداقل نگاه‌های شماتت‌آمیزی نسبت به افراد خلافکار نشان می‌دهند و از همه مهم‌تر دور از چشم مأموران رسمی و انتظامی، فضای امنی برای افراد خلافکار و فضای ناامنی را برای دیگران ایجاد می‌کند (صالحی، ۱۳۸۷: ۱۵۸)؛ بنابراین، ساختار فیزیکی فضا یا به عبارتی فرم فضا در چگونگی ایجاد یک فضای بدون دفاع، نقشی انکارناپذیر دارد و از این رو توجه به کیفیت‌های فرم فضا اهمیت می‌یابد. در تعریف از کیفیت‌های فرم فضا، کوین لینچ، در *سیمای شهر*، ویژگی‌های متفاوتی از قبیل نمایانی، خوانایی و... را نقد و بررسی می‌کند؛ برای مثال، نمایانی کیفیتی است که به احتمال بسیار، تصویری روشن در ذهن هر ناظر به وجود می‌آورد. مراد از آن، شکل، رنگ و نظم و سامانی است که با ایجاد تصویری روشن و مشخص، مشاهده محیط زندگی آدمی را میسر می‌دارد (لینچ، ۱۳۷۲: ۲۵). راجر ترانسیک نیز در کتاب خود (*Finding lost space*)، فضاهای گم را به گونه‌ای دیگر توصیف کرده است. این فضاها از نظر ترانسیک، اغلب پسمانده‌های سامان‌دهی‌نشده چشم‌اندازهای شهری هستند (ترانسیک، ۱۹۸۶: ۱-۵).

در نهایت و به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت اگرچه اندیشمندان متعددی در قالب نظرهای مختلف، به بحث امنیت و نقش برنامه‌ریزی کالبدی در تأمین آن پرداخته‌اند، ولی با مرور این مبانی نظری، به نظر می‌رسد جامع‌ترین و تحلیل‌پذیرترین نظریه، «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی یا CPTED» باشد؛ چرا که ساختاری منسجم دارد که برگرفته از چندین نظریه و پرداخته‌شده توسط چندین نظریه‌پرداز است. تشریح اصول و معیارهای این نظریه نیز در جهت بهره‌گیری از آن، برای تدوین چارچوب نظری و مدل پژوهش بوده که در ادامه آمده است.

## روش پژوهش

در پژوهش حاضر، چارچوب نظری با بهره‌گیری از ادبیات مرتبط با جرم‌شناسی، امنیت و برنامه‌ریزی شهری و بر مبنای نظریه پیشگیری از جرم، از طریق طراحی محیطی، تدوین شده است. اگرچه شاید هیچ‌یک از نظریات فوق، به‌طور مستقیم احساس امنیت را اندازه‌گیری نکنند، با استفاده از معیارها و شاخص‌های مطرح‌شده در آن‌ها که همگی با تأثیر ابعاد مختلف کالبدی بر امنیت ذهنی افراد، مرتبط است می‌توان به چارچوب و مدلی برای اندازه‌گیری و سنجش احساس امنیت دست یافت. روش تحقیق نیز روش مطالعه موردی (Case Study) است و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه و برداشت میدانی استفاده شده است. نمودار ۱، مدل پژوهش را نشان می‌دهد که در آن، معیارها و زیرمعیارهای مورد سنجش در نمونه موردی پژوهش نشان داده شده است.



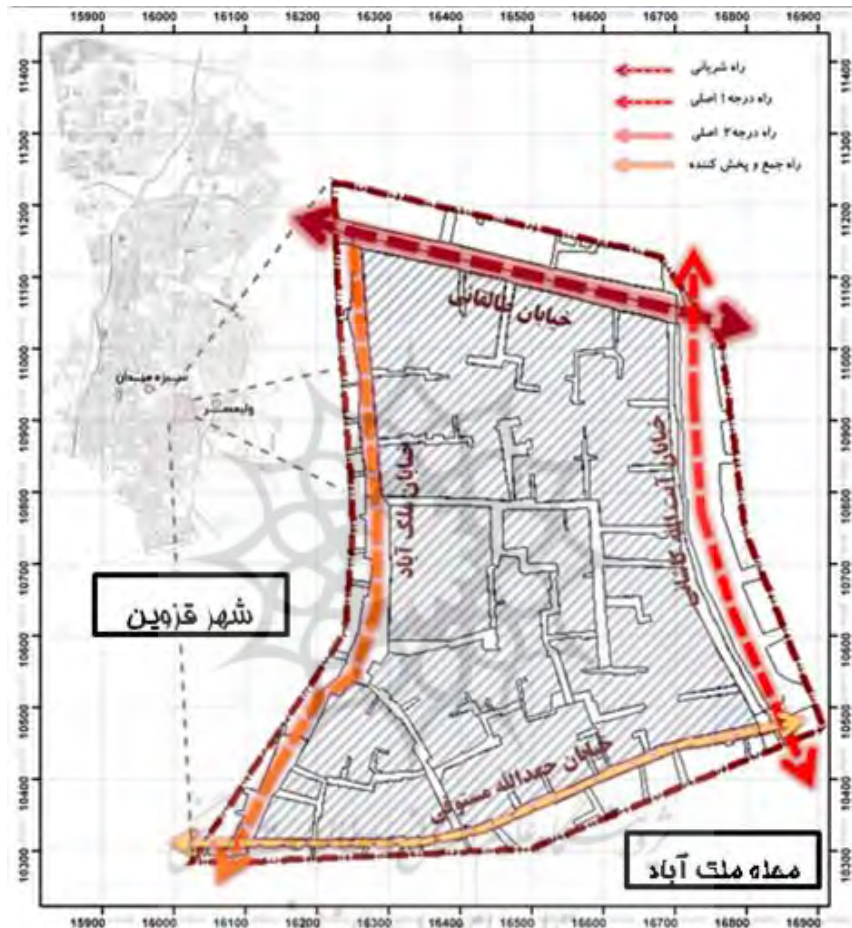
نمودار ۱. مدل پژوهش - مأخذ: نگارندگان

به‌عنوان روش تحقیق می‌توان گفت جمع‌بندی مطالب و امتیازدهی به معیارها و زیرمعیارها، براساس روش ماتریسی گولر<sup>۱</sup> و با ترکیب آن با روش چک‌لیست معیارها<sup>۲</sup> انجام شده است. در روش چک‌لیست معیارها، معیارهای ارزیابی مرتب می‌شوند و نمونه موردی در قالب آن‌ها تحلیل می‌شود، اما مزیت‌های نسبی بین معیارها بررسی نمی‌شوند و همگی آن‌ها، با درجه اهمیت یکسان فرض می‌شوند. برای رفع ایراد مذکور، از روش ماتریس گولر نیز استفاده شده که در آن، با بهره‌گیری از منابع مختلف، از جمله نظر کارشناسان مرتبط با موضوع، ضریب اهمیت هر یک از معیارها مشخص می‌شود. در این پژوهش نیز با بهره‌گیری از نظرهای ۱۵ صاحب‌نظر رشته شهرسازی، مدل تحقیق بررسی شده و ضرایب اهمیت مندرج در جدول ۲ به دست آمده است.

1. Goeller Scorecard  
2. Checklist of Criteria

## معرفی محدوده مطالعه

محله ملک‌آباد، یکی از محله‌های قدیمی شهر قزوین است. بافت آن کاملاً ارگانیک است و علی‌رغم ساخت‌وسازها و نوسازی‌های اخیر، هنوز ترکیب و هویت قدیمی خود را حفظ کرده است. به همین دلیل، این محله، به‌عنوان نمونه موردی پژوهش انتخاب شده و ساختار آن در نقشه ۱ آمده است. قلمروهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی این محله و نیز دسترسی‌های آن، با توجه به قدمت آن، نظم خاصی دارد که زمینه مطالعه و پژوهش را فراهم می‌سازد.



نقشه ۱. موقعیت محله مورد مطالعه - مأخذ: نگارندگان

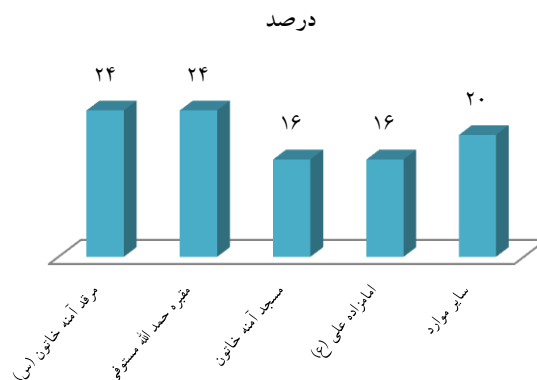
## بحث و تحلیل یافته‌ها

نمونه موردی، طبق مدل و در قالب معیارها و زیرمعیارها، ارزیابی و در ادامه، به تفکیک ارائه شده است. همچنین برای تعیین تعداد نمونه‌های لازم در توزیع پرسشنامه، از فرمول کوکران، با دقت ۹۰ درصد استفاده شده که تعداد ۳۰ نمونه را به دست داده است. با این حال برای افزایش دقت مطالعه، تعداد مذکور به ۴۰ نمونه افزایش یافت. نحوه انتخاب نمونه، تصادفی است و سعی شده پرسشنامه در قسمت‌های مختلف محله، به تعداد یکسان توزیع شود. محدودیت سنی برای پاسخگویان، بالای ۱۵ سال تعیین شده و محدودیت جنسی وجود ندارد.

### • معیار اول: تقویت قلمروها

زیرمعیار اول از طریق پرسشنامه تحلیل شده است. بر این اساس، بیش از ۸۰ درصد ساکنان محله، روی یک نام توافق

دارند و به نام «ملک‌آباد» اشاره کرده‌اند. این مسئله، در کنار تصویر ذهنی مشترک ساکنان، یعنی اشاره بیش از ۴۸ درصد آنان به دو مورد، و نیز خطوط ترسیم‌شده پرسش‌شوندگان که همگی حول محدوده واقعی محله ملک‌آباد متمرکز است، حاکی از تعریف پذیرفتنی قلمروها، پذیرش بالای محله و محدوده‌های ذهنی و واقعی آن در بین ساکنان است.

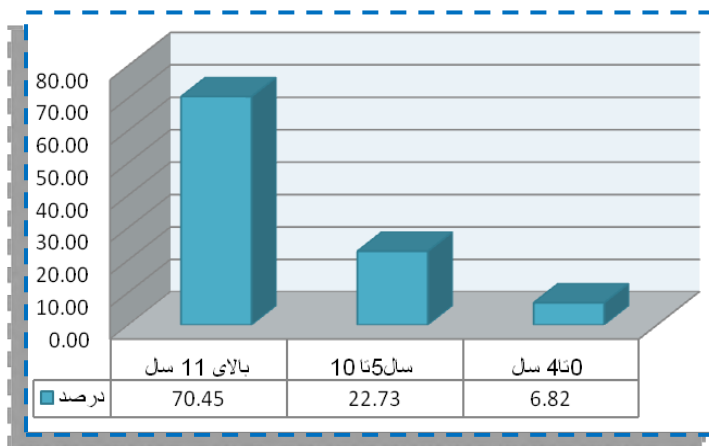


نمودار ۲. درصد اشاره به نشانه‌های ذهنی ساکنان - مأخذ: نگارندگان

موارد دیگری که در زمینه احساس مالکیت و تعریف قلمروها هدف پژوهش بوده، میزان شناخت همسایه‌ها، قدمت و سابقه سکونت ساکنان، توانایی محله در تأمین نیازهای روزانه و قوی بودن نشانه ذهنی مشترک است که جدول و نمودارهای مرتبط با آن‌ها ارائه و در جمع بندی نهایی، امتیازدهی شده‌اند.

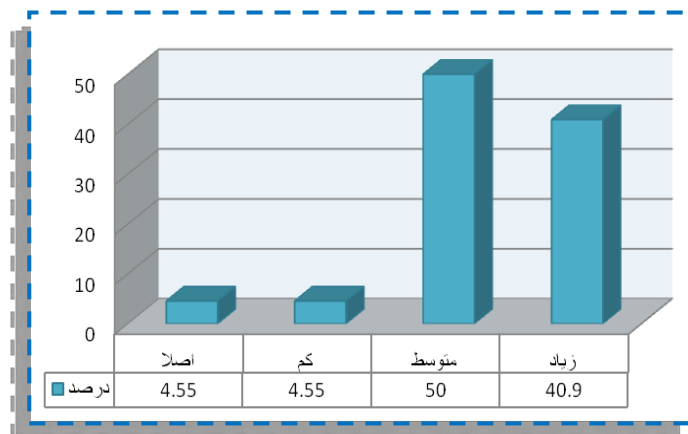


نمودار ۳. محدوده محله ملک‌آباد، ترسیم شده توسط ساکنان - مأخذ نگارندگان

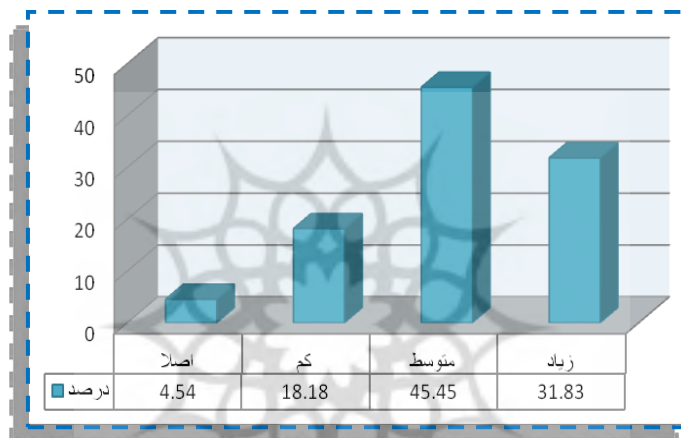


نمودار ۴. سابقه سکونت پرسش‌شوندگان - مأخذ نگارندگان





نمودار ۵. توانایی تامین نیازهای روزانه در محله - ماخذ نگارندگان



نمودار ۶. میزان شناخت نسبت به همسایه ها- ماخذ نگارندگان

زیرمعیار دوم یا همان وضعیت قلمروهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی، توسط ماتریس عکس‌العمل - مکان سنجش شد. براساس جدول، چنانچه فردی غریبه و مشکوک وارد خیابان اصلی محله شود، حدود ۴۳ درصد ساکنان پاسخ‌دهنده به او مظنون می‌شوند. به همین ترتیب، اگر چنین فردی وارد کوچه اصلی نزدیک منزل هریک از پرسش شوندگان شود، ۳۸ درصد آن‌ها در حد کنجکاو و مظنون شدن، عکس‌العمل نشان می‌دهند. بقیه سطر و ستون‌های ماتریس هم به همین روش برداشت می‌شود. از آنجا که مکان‌های مد نظر، از عمومی به خصوصی مرتب شده‌اند انتظار می‌رود به همان اندازه، عکس‌العمل‌ها شدت بیشتری پیدا کنند. میانگین درصدهای به‌دست‌آمده برای هر ردیف نیز تقریباً با روند مورد انتظار هماهنگ است. البته چند نکته شایان توجه وجود دارد:

- حس تعلق ساکنان نسبت به خیابان اصلی محله، یعنی خیابان ملک‌آباد، قوی‌تر از حد انتظار است؛ زیرا اغلب آن‌ها به ورود افراد غریبه و مشکوک در این خیابان، عکس‌العمل نشان می‌دهند و به آن‌ها بی‌توجه نیستند؛
- مقایسه بیشترین درصدهای به‌دست‌آمده در هر ردیف نشان می‌دهد نوعی دسته‌بندی فضایی و قلمروها در ذهن ساکنان وجود دارد که براساس آن، عکس‌العمل نشان می‌دهند و این دسته‌بندی، تطابق زیادی با سلسله‌مراتب معابر و در واقع، تقسیم‌بندی کالبدی محله دارد؛
- پراکندگی داده‌ها (علی‌رغم تمرکز بیشتر آن‌ها بر یک مورد)، نیاز کالبدی محله را برای تفکیک هرچه بهتر قلمروهای خصوصی از عمومی نشان می‌دهد.

جدول ۱. ماتریس عکس العمل- مکان- ماخذ نگارندگان

جمع	تماس با پلیس	سوال پرسیدن	امساس نا امنی	کمی کلنگاو یا مظنون	بی توجه	نوع عکس العمل مکان
۱۰۰٪	۰	۱۴.۳	۹.۵	۴۲.۹	۳۳.۳	فیابان اصلی ممله
۱۰۰٪	۱۹	۱۴.۳	۱۴.۳	۳۸.۱	۱۴.۳	کوپه اصلی
۱۰۰٪	۲۲.۱	۲۷.۸	۱۶.۷	۲۷.۸	۵.۶	کوپه فرعی (یا بن بست)
۱۰۰٪	۲۶.۳	۵۲.۶	۱۵.۸	۵.۳	۰	مموطه ملوی در منزل
۱۰۰٪	۵۴.۵	۴۵.۵	۰	۰	۰	میاط و مشاعات (در آپارتمانها)

### • معیار دوم: کنترل دسترسی

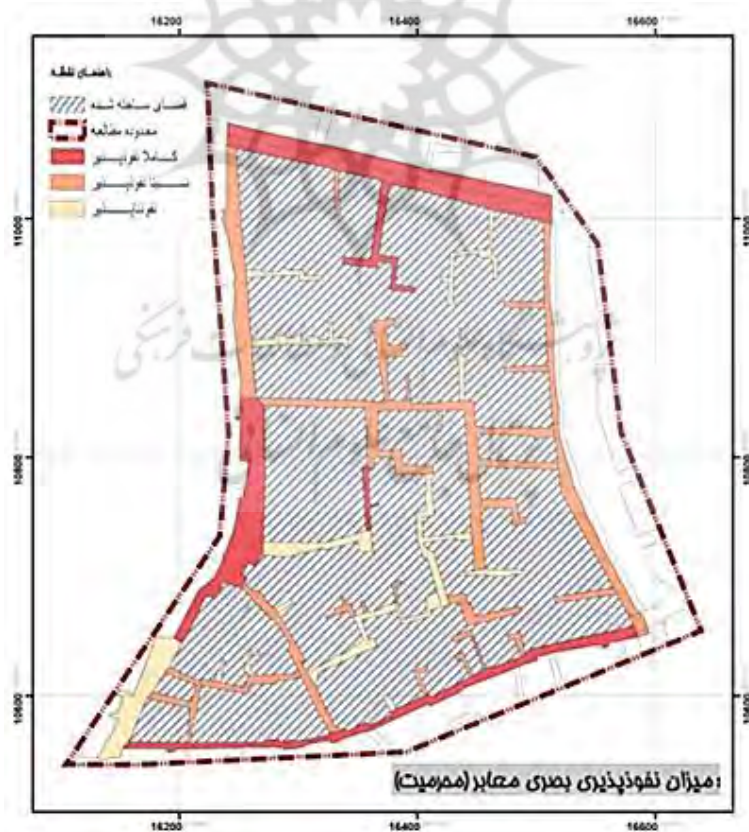
معیار فوق، پس از برداشت میدانی، توسط نرم‌افزار GIS تحلیل شده و در قالب نقشه‌های ۲ تا ۹ ارائه شده است. سپس براساس نقشه‌های مذکور و در قالب طیف لیکرت، امتیاز هر زیرمعیار محاسبه شده است. شایان توضیح است برای جلوگیری از تفصیل مطالب، تحلیل‌های این بخش به صورت نقشه ارائه شده‌اند و نتیجه و جمع‌بندی آن‌ها در جدول ۲ آمده است.



نقشه ۲. ماخذ نگارندگان



نقشه ۳. ماخذ نگارندگان



نقشه ۴. ماخذ نگارندگان



نقشه ۵. ماخذ نگارندگان



نقشه ۶. ماخذ نگارندگان



نقشه ۷. ماخذ نگارندگان



نقشه ۸. ماخذ نگارندگان



نقشه ۹. ماخذ نگارندگان

#### • معیار سوم: نظارت طبیعی

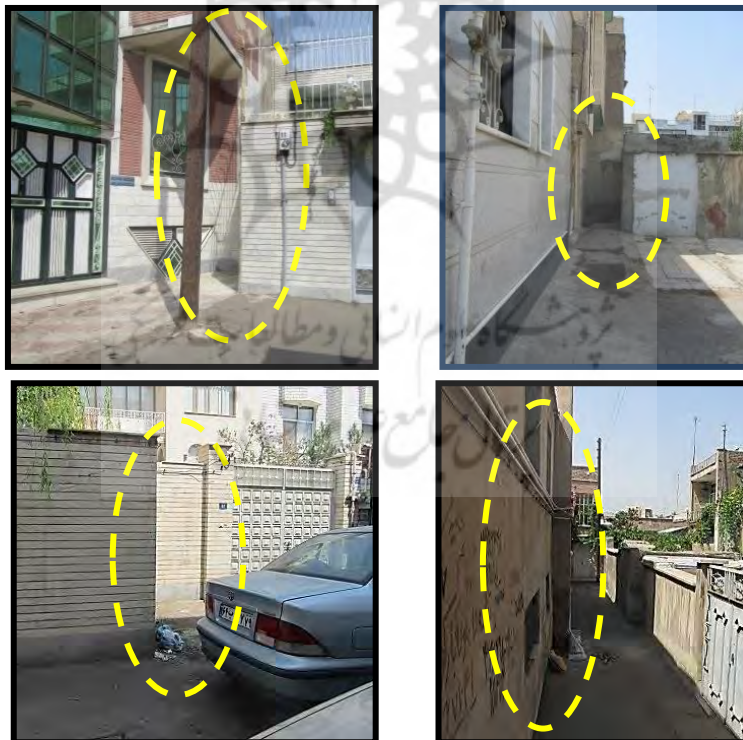
همان‌طور که در بخش قبل اشاره شد، معیار نظارت طبیعی به دو زیرمعیار «ازدحام و اندازه فضا» و «فرم فضا» قابل تقسیم است. برای بررسی این معیار در محله ملک‌آباد، متناسب با هر زیرمعیار، سؤال‌هایی تدوین شده و براساس چک لیست به دست آمده، برداشت‌های لازم صورت گرفته است. آنچه در ادامه می‌آید، نتایج برداشت میدانی و تحلیل‌های مربوط به آن است.



نقشه ۱۰. ماخذ نگارندگان



نقشه ۱۱. ماخذ نگارندگان



تصویر ۱. فضاهای دنج و کنج‌ها در محله ملک آباد- ماخذ نگارندگان

نقشه‌های ۱۰ و ۱۱، زیرمعیار اول (ازدحام و اندازه‌ی فضا) را تحلیل می‌کنند و تصویر ۱ در زمینه‌ی بررسی زیرمعیار دوم (فرم فضا)، نمونه‌هایی از فضاهای پنهان U شکل و L شکل و نقاط دنج محله را نشان می‌دهد. با برداشت میدانی و بازدید محله، موارد کیفی مذکور، نهایتاً در قالب طیف پنج مقیاسی لیکرت، به مقادیر کمی تبدیل شده و در جمع‌بندی ارائه شده است.

## نتیجه‌گیری

با توجه به مسئله اصلی پژوهش، یعنی ارزیابی کالبد یک نمونه محله قدیمی در میزان پاسخ‌دهی به امنیت، چارچوب و مدلی تدوین شد و نهایتاً پس از تحلیل معیارها و زیرمعیارهای مدل پژوهش، کیفیت‌های به‌دست‌آمده براساس روش ماتریسی گولر<sup>۱</sup> و با ترکیب آن با روش چک‌لیست معیارها<sup>۲</sup>، رتبه‌بندی و در قالب جدول ۲ جمع‌بندی و ارائه شده است.

جدول ۲. جمع‌بندی و امتیاز دهی بر اساس مدل پژوهش - ماخذ نگارندگان

معیار	زیرمعیار	ضریب اهمیت	امتیاز زیرمعیار	امتیاز معیار
تقویت قلمروها	احساس مالکیت	۰.۳۵	۵	۳.۷۷
	تعریف قلمروهای خصوصی و عمومی	۰.۶۵	۴	
کنترل دسترسی	نفوذپذیری بصری	۰.۲	۳	۲.۹۵
	تفکیک پیاده و سواره	۰.۱۵	۲	
	نفوذ ترافیک عبوری	۰.۱	۲	
	نفوذپذیری بافت و توانایی تامین پارکینگ	۰.۰۵	۳	
	وجود خیابان‌ها و فضاهای بدون محافظ و بی‌استفاده	۰.۲	۳	
	ورودی‌های شاخص و قابل رویت	۰.۰۵	۴	
	روشنایی معابر	۰.۲	۴	
نظارت طبیعی	وجود راه‌های بالقوه فرار	۰.۰۵	۲	۴
	ازدحام و اندازه فضا	۰.۵	۴	
	فرم فضا	۰.۵	۴	

بررسی‌ها و تحلیل‌ها نشان می‌دهد:

- براساس معیار اول یعنی تقویت قلمروها، محله ملک‌آباد در مجموع، وضعیت خوبی دارد. در زیرمعیار احساس مالکیت، وضعیت به مراتب بهتر است، ولی در زیرمعیار تعریف قلمروها، اگرچه این تفکیک به صورت ذهنی، بین ساکنان بسیار قوی است، اما به برخی اصلاحات و مناسب‌سازی‌های کالبدی نیاز دارد تا مرز فضاهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی، واضح‌تر و مشخص‌تر شوند؛

- براساس معیار دوم یعنی کنترل دسترسی، مشکل‌های متعددی در قسمت‌های مختلف معابر وجود داشت. از جمله رعایت نکردن محرمیت در معابر اصلی، نبود پیاده‌رو در اغلب معابر به‌ویژه در جنوب محله، هدایت‌شدن ترافیک عبوری به درون معابر محله، نفوذپذیری پایین برخی معابر، به‌ویژه بن‌بست‌ها برای مواقع اورژانسی و همچنین نداشتن توانایی کافی برای تامین پارکینگ، وجود فضاهای بدون استفاده به‌دلیل زمین‌های ره‌اشده و متروک، عقب‌نشینی‌های متعدد و ایجاد تورفتگی، و نهایتاً نبود تعریف مناسب ورودی محله.

همچنین نکات مثبتی چون روشنایی مناسب معابر، ورودی شاخص ساختمان‌ها و هدفمند بودن دسترسی به فضاهای عمومی و مرکز محله (خیابان ملک‌آباد)، شایان توجه است.

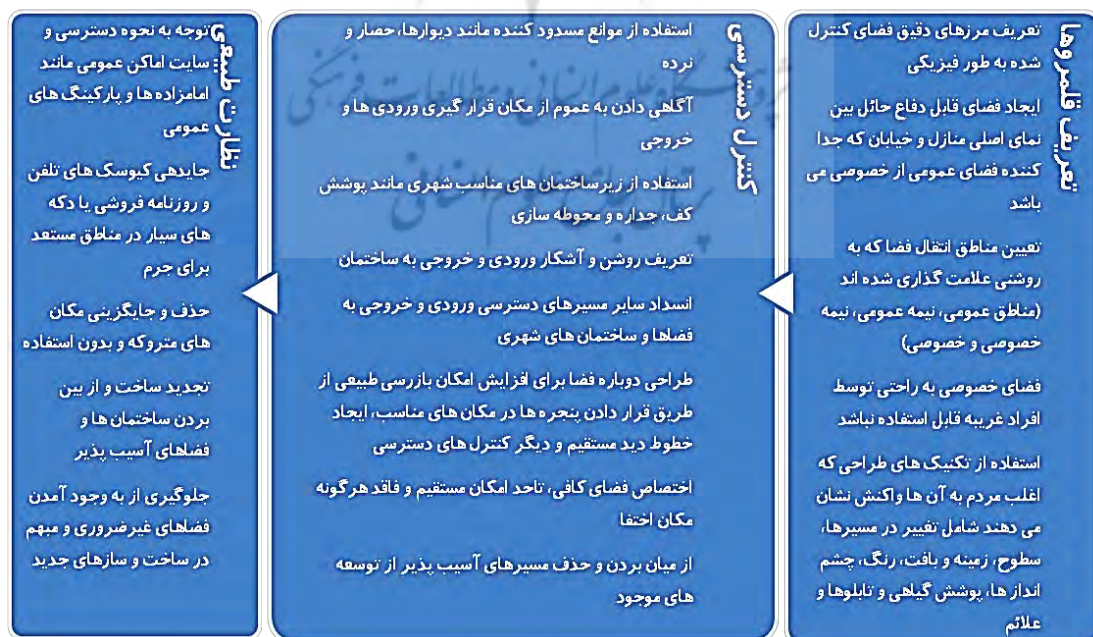


- براساس معیار سوم یعنی نظارت طبیعی، وجود کاربری‌های غیر فعال و فضاهای مرده، در کنار شکل‌گیری کنج‌ها و فضاهای U و L شکل در قسمت‌های مختلف محله، موجب کاهش نظارت طبیعی در آن نقاط شده و امکان وقوع جرم را افزایش می‌دهد، اما براساس نقشه‌های تحلیل‌شده، این مسئله در معابر اصلی و مرکز محله کمتر به چشم می‌خورد و در نتیجه امتیاز مطلوبی را کسب کرده است.

در نهایت می‌توان گفت ارزیابی کالبد محله ملک‌آباد، به‌عنوان نمونه‌ای از محله‌های قدیمی شهر تاریخی قزوین، نشان می‌دهد این محله توانسته است در پاسخ‌دهی به نیاز به احساس امنیت ساکنان آن در حد مطلوب و قابل قبولی ایفای نقش کند. البته نوسازی‌ها و عقب‌نشینی‌ها و برخی تغییرهای دیگر که اغلب در سطح راه‌ها و معابر محله اجرا شده است، سبب شده تا بافت قدیمی محله در معیار کنترل دسترسی، دچار آسیب‌پذیری بیشتری شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در محله‌های قدیم، به‌عنوان نمونه، محله ملک‌آباد قزوین، اگرچه اصول طراحی ضد جرم<sup>۱</sup> به صورت کامل رعایت نشده، اما هنوز در سطحی مناسب است. نکته مهم این است که نقاط قوت محله‌های قدیمی در تأمین امنیت، به شاخصه‌ها و اصول طراحی آن‌ها در همان زمان شکل‌گیری بازگشته و برعکس، ضعف‌های آن به تغییرها و دگرگونی‌های متأخر بازمی‌گردد. به عبارت دیگر، با تحلیل دقیق‌تر امتیازهای به‌دست‌آمده در معیارهای مدل پژوهش، کاملاً مشخص است که معیار نظارت طبیعی و قلمروهای تعریف‌شده، امتیازهای مطلوبی به دست آورده و معیار کنترل دسترسی، در حد پایین‌تر از متوسط ارزیابی شده است. این امر نشان می‌دهد تغییر معابر محله، تعریض‌های نه‌چندان دقیق، بازسازی‌های غیر اصولی و ساخت‌وسازهایی از این قبیل که به اصول قدیمی و ارزشمند طراحی محله بی‌توجه بوده‌اند، پیامدهای ناخوشایندی، حداقل در تأمین حس امنیت شهروندان، در محله داشته است.

براساس نتایج به‌دست‌آمده و فهرست مشکل‌ها، راهکارهایی برای ارتقای احساس امنیت در ساکنان محله، به شرح زیر ارائه می‌شود. این راهکارها براساس اصول پیشگیری از جرم، توسط طراحی محیطی (CPTED) است و در قالب زیرمجموعه هریک از معیارهای بررسی شده ارائه می‌شود:



نمودار ۷. راهکارهای ارتقاء امنیت محله بر اساس رویکرد CPTED - ماخذ نگارندگان

## منابع

1. Ashton, J., 1988, **Healthy Cities Concepts and Visions**, University of Liverpool.
2. Atlas, R., 1999, **Designing Against Terror: Site Security Planning & Design Criteria**, Architectural Graphics Standards, Atlas Safety & Security Design.
3. Carmona, M. Heath, T. T. and Tiesdell, S., 2003, **Public Places - Urban Spaces**, Architectural press, Oxford.
4. Chermayeff, S. and Alexander, C., 1892, **Public and Private Spheres of Life**, Tehran University Press, Tehran.
5. Crowe, T. D., 1991, **Crime Prevention Through Environmental Design: Applications of Architectural Design and Space Management Concepts**, Butterworth Heinemann, Stoneham.
6. Duhl, L., 1987, **Planning For & Getting A Healthy City**, Education Unit, Reopved Health.
7. Heshmati, M., 2003, **Defensible Space - Urban Design Strategies to Prevent and Reduce Crime**, Tehran: MS Thesis, School of Architecture, Tehran, Shahid Beheshti University. (*In Persian*)
8. Kalantari, M., 2001, **Investigation of Crime in the Geographic Areas of Tehran**, PhD Thesis, Tehran University, Tehran. (*In Persian*)
9. Lynch, Kevin, 1983, **City Landscape**, translated by M. Mozayeni, Tehran, Tehran University Press. (*In Persian*)
10. Mortazavi, Sh., 1988, **Environmental Psychology**, Tehran, Tehran University Press. (*In Persian*)
11. Ogawa, A. and Shibasaki, R., 2003, **Analysis of the Relation Between the Occurrence of Crime and Its Spatial Tendency in Shibuy an Area**, Tokyo university, Tokyo.
12. Robinson, M., 1996, **The Theoretical Of CPTED 25 Years of Responses to C. Ray Jeffry**, Appalachian State University Department of Political Science & Criminal Justice.
13. Ruzbnam, Lvryjyv, V., 2004, **Crime Prevention and the Environment**, translated by R. Parvizi, Security Journal, Interior Ministry, Year IV, No. Tehran. (*In Persian*)
14. Salehi, E., 2008, **Characteristics of Urban Spaces in a Safe Environment**, Centre for Architectural Research, Tehran. (*In Persian*)
15. Shkvyy, H., 1990, **Urban Social Geography (Social Ecology of the City)**, Tehran, University of Jihad. (*In Persian*)
16. Tavalae, N., 2004, **The City Form; Study of Spatial Coherence in Thought and Practice**, PhD thesis, Faculty of Fine Arts, Tehran, Tehran University. (*In Persian*)
17. Trancik, R., 1986, **Finding Lost Space**, New York, Van Nostrand Reinhold company.
18. Wellesley, D. J., 1990, **Urban Living the Individual in the City**, Hong Kong, Longman group.